

## **Historiography and Paleontology of Honoring Imami Leaders in Ancient Mysticism of Khorasan: A Comparison and Approximation of Sufism and Shiism**

**Sajjad Vaezi Monfared\***

**Mohammad Nasiri\*\***

(Received: 16/12/2021; Accepted: 16/03/2022)

### **Abstract**

The twelve Imams, the visible and hidden representatives of the divine guardianship, and the source of love and wisdom, in addition to the general leadership and succession of the Prophet (S), have also been the role models of spiritual life and representatives of Islamic introversion, so that attachment to them is the key to all mystical paths, especially the mystics of Khorasan. Their teachings are one of the fundamental sources that established the mystical school of Khorasan. In the present research, we try to establish the honor and respect of Zahra's (AS) descendants and the attachment and devotion to the Shiite leaders by bringing a lot of evidence from the relics and ancient writings of Khorasan and Qumis schools and re-reading the words of Khorasan elders in an analytical way. A kind of fact-finding with historical evidence, on the one hand, can reveal the motives of Iranians' tendency towards Shiism and on the other hand, can show the closeness between Shiism and Sufism (mysticism). The historical examination of the spiritual connection of the elders and mystics of Khorasan with the Shiite Imams (AS) shows the historical current from love-based Shiism to doctrinal and theological Shiism and the continuation of the spirituality of the descendants of Zahra and mysticism in Khorasan.

**Keywords:** Sufism, Shiism, Mysticism, Shiite Imams, Khorasan School, Khorasan Elders, Khorasan Mysticism.

---

\* Assistant Professor, Department of Religions and Mysticism, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran (Corresponding Author), sajadvaezi114@theo.usb.ac.ir.

\*\* Assistant Professor, Department of Islamic History and Civilization, Faculty of Islamic Teachings and Thought, University of Tehran, Tehran, Iran, nasiri.m@ut.ac.ir.

## پیشینه‌شناسی و دیرین‌شناسی گرامی‌داشت پیشوایان امامیه در عرفان کهن خراسان: تطبیق و تقریب تصوف و تشیع

سجاد واعظی منفرد\*

محمد نصیری\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵]

### چکیده

دوازده امام، نماینده نما و نهان «ولایت»، و چشمه مهر و دانایی، افزون بر پیشوایی همگانی و جانشینی رسول (ص)، الگوهای زیست معنوی و نمایندگان درون‌گرایی اسلامی نیز بوده‌اند، بدان‌گونه که دل‌بستگی به آل احمد (س) کلیدواژه همه طریقت‌های عرفانی، به‌ویژه عارفان خراسان بوده و آموزه‌های ایشان، یکی از سرچشمه‌های بنیادینی است که مکتب عرفانی خراسان را بر پای داشته است. در پژوهش پیش رو کوشیده‌ایم با آوردن گواه‌های انبوه از یادگارها و نوشته‌های دیرمان مکتب خراسان و قومس، و بازخوانی سخنان پیران خراسان به روش واکاوانه (تحلیلی)، ارج‌نهادن و گرامی‌شمردن نبیره زهرا (س) و دل‌بستگی و سرسپردگی به پیشوایان تشیع را استوار کنیم؛ نوعی راستی‌پژوهی با گواهی‌های تاریخی که از یک سو از انگیزه‌های گرایش ایرانیان به تشیع پرده برمی‌دارد و از سوی دیگر نزدیکی بیشتر تشیع و تصوف (عرفان) را می‌نمایاند. وارسی تاریخی پیوند معنوی پیران و عارفان خراسان با امامان شیعه (ع)، نشان‌دهنده سیری تاریخی از تشیع محبتی تا تشیع اعتقادی و کلامی، و استمرار معنویت آل زهراء در اقلیم خراسان و عرفان این سرزمین است.

**کلیدواژه‌ها:** تصوف، تشیع، عرفان، امامان شیعه، مکتب خراسان، پیران خراسان، عرفان خراسان.

\* استادیار گروه ادیان و عرفان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول)

Sajadvaezi114@theo.usb.ac.ir

\*\* استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

nasiri.m@ut.ac.ir

## درآمد

ایران در سه سده نخستین هجری مانند برخی دیگر از کشورهای اسلامی، میدان کشاکش و کارزار مذاهب اسلامی بوده و باورمندان به امامت علی بن ابی‌طالب (س) که در فرآیند جانشینی حضرت رسول (ص) معتقد بودند فرمانروایی باید در خاندان نبی باشد، در ایران آن روزگار حضور پویا و کارآمدی داشتند. از این رو ارج شیعه در تاریخ ایران آن روزگار بسیار است (نک: صفا، ۱۳۷۱: ۴۲/۱-۵۰). گرایش ژرف به تشیع در میان ایرانیان از همان آغاز اسلام وجود داشت و نقش سلمان فارسی چونان نماینده قوم ایرانی که شکوه اهل‌بیتی بودن را در کارنامه‌اش داشت، و رویداد باارزش هجرت امام رضا (ع) به خراسان، پیوند استوار میان اسلام و ایران و اهل بیت (ع) را رقم زد و تشیع پرکارتر و پرشمارتر شد. اگر بخواهیم برای سیر پایه پایه درآیش تشیع در ایران چند گام به شمار آوریم، می‌توان گفت کوچ فرخنده امام رضا (ع) به خراسان، گسترش مذهب شیعه امامیه، و گرایش‌های شیعیانه در شاعران و صوفیان آن سامان را در پی داشت. همبستگی‌های تصوف و تشیع با نگاه به سرآغاز تصوف در جهان اسلام نیز روشن‌تر می‌شود. زیرا پیدایش تصوف، به‌راستی، نهضتی بر ضد دنیاپرستی امویان بود، چنان‌که یکی از نقدهای جدی تشیع بر بنی‌امیه نیز بر همین نکته استوار است. خراسان از همان سده‌های آغازین اسلامی ناسازواری‌اش را با بنی‌امیه، و هم‌داستانی و هم‌رایی‌اش را با بنی‌هاشم و فرزندان اهل بیت آشکار کرده بود. مثلاً یحیی بن زید در پی شهادت زید بن علی بن حسین (س) به جانب خراسان رفت و بنی‌عباس نیز با شعار «الرضا من آل محمد» و بر پایه شهادت یحیی بن زید بسیاری از مردم خراسان را با خود همراه کردند، که به برانداختن پادشاهی امویان انجامید.

گستره تاریخی خراسان دربرگیرنده خراسان در ایران کنونی و بخش‌های بزرگی از افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان بوده است. نام خراسان در آغاز سده‌های میانی (قرون وسطا)، به گونه فراگیر بر همه استان‌های اسلامی که در سوی خاور کویر لوت تا کوه‌های هند جای داشتند و نیز شهرهای فرارود (ماوراءالنهر)، به کار برده می‌شد (نک: لسترنج، ۱۳۸۳: ۴۰۸). از این پاکیزه‌بوم پهناور با داشتن عارفان بزرگ و

آثار گران بها در عرفان، می توان چونان یکی از کانون های معنوی و عرفانی بزرگ جهان نام برد. هجویری با برشمردن عارفانی از خراسان می گوید: «و اگر جمله را برشمردم از اهل خراسان دشوار باشد. و من سیصد کس دیدم اندر خراسان تنها که هر یک مشربی داشتند که یکی از آن اندر همه عالم بس بود. و این جمله از آن است که آفتاب محبت و اقبال طریقت اندر طالع خراسان است» (هجویری، ۱۳۹۰: ۲۶۳). پژوهشگران با یادکرد فراوانی شمار پارسایان و درویشان در خراسان، و پردامنگی مسالک صوفیه در سده های نخستین اسلام در این سرزمین، خراسان را «مهد تصوف» دانسته اند (نک: زرین کوب، ۱۳۶۷: ۸۳).

### پیوندهای تاریخی تشیع و تصوف

آموزه های همانند و پیوندهای تاریخی تصوف با تشیع، چشمگیر و شایسته بررسی و کاوش است. از این دریچه، تشیع و تصوف هر دو با ساحت باطنی وحی اسلامی، پیوستگی دارند و در نخستین دوره تاریخی شان، از سرچشمه یگانه ای الهام گرفته و اصل و تبار مشترکی دارند (نک: نصر، ۱۳۸۲: ۱۶۲-۱۸۶)<sup>۱</sup>، تا بدانجا که قاضی نورالله شوشتری (شهید سنه ۱۰۱۹ ه.ق.) درباره صوفیه می گوید: «مؤلف را عقیده آن است که هیچ کس از این طایفه رفیعه سنی مذهب نبوده» (شوشتری، ۱۳۵۴: ۵/۲). وی که مجلس ششم کتاب *مجالس المؤمنین* را «در ذکر جمعی از صوفیه صافی طویت» اختصاص داده است، تحصیل یقین به مراتب حقیقت را با روش تصفیه و استکمال که شیوه اهل فقر است (عرفا و اولیا) از طریقه اهل نظر و استدلال (حکما) برتر می شمرد. هرچند از نگاه او میان محققان هر دو طریق هیچ خلاف نیست و از جمله داستان دیدار ابوسعید ابوالخیر با ابوعلی سینا را بر این مطلب گواه می آورد (نک: همان: ۳/۲).

سید حیدر آملی نیز در استوارداشت یگانگی تصوف و تشیع، خاستگاه و سرچشمه هر دو طایفه شیعه و صوفیه را امام علی (ع) و اولاد فاطمه (س) می داند (نک: آملی، ۱۳۷۷: ۱۴ و ۱۷۱). از دید وی، صوفیه «یادگیرندگان راه نجات»، شیعه حقیقی و مؤمن ممتحن (آزموده شده) و نگاه دارنده اسرار ائمه اند؛ اشاره به کلامی از حضرت علی (ع) که مردم سه

دسته‌اند: عالم ربّانی، متعلّم بر سبیل نجات، و همج (مردم سبک و بی‌ارج). وی قسم اوّل (عالم ربّانی) را ویژه حضرت علی (ع) و ائمه (ع) می‌داند و صوفیه را بر قسم دوم تطبیق می‌کند (نک: همان: ۳۸-۳۹). آملی در گزاره‌ای دیگر با بازنمایی زنجیره پیران راز آشنا، آنها را به پیشوایان (س) پیوند می‌دهد و ابرام می‌ورزد نباید هیچ کس، به ویژه شیعه امامیه، مذهب صوفیه را نادرست بداند (نک: همان: ۱۷۲-۱۷۳).

اگرچه از سوی دیگر، این دیدگاه که زمینه تشیع در ایران از مدت‌ها پیش از صوفیه به یاری صوفیه حاصل شده بود و نهضت صوفیه صرفاً تشیع را مذهب رسمی حکومت کرد، از نظر برخی پژوهشگران «در مفهوم رد قول به ایجاد نظامات این مذهب به وسیله صوفیه درست است، اما به کلی خالی از مبالغه هم نیست» (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۲۲۴)، و به زعم آنها، قول امثال حیدر آملی (وحدت تصوف و تشیع) را نمی‌توان به آسانی تأیید کرد، و فقها و متکلمان و حکمای شیعه، جز به ندرت، مقالات صوفیه را همچون بدعت تلقی کرده و بیشتر صوفیه ایران، به ویژه قبل از عهد مغول و تیمور، مذهب سنت داشته‌اند (نک: همان).

اما این گمان با شواهد تاریخی هماهنگ و سازوار نیست. در کتاب *التقص* (معروف به *بعض مطالب النواصب فی تقص بعض فضائح الروافض*) که از کتب کهن در شیعه‌شناسی و تاریخ شیعه است، نویسنده بخشی را در باب عرفان و عرفای شیعه آورده: «و اما زهاد و عباد و اهل اشارت و اهل موعظت» (نک: قزوینی رازی، ۱۳۳۱: ۱۹۷)؛ و با نکوداشت ایشان همچون منصور عمار، مالک دینار، بایزید بسطامی، بوسعید بوالخیر و ... می‌گوید «آنها همه عدلی مذهب بوده‌اند و مذهب صالح گفته‌اند و شیعه درین جماعت ظن نیکو دارند از بهر آنکه عدلی و معتقد بوده‌اند» (همان). دل‌بستگی و گرایش عرفای خراسان به ائمه در سده‌های بازپسین نیز ماندگاری یافت و پیوندهای میان تشیع و تصوف را استوارتر کرد. دل‌باختگی مشایخ کبرویه به علی بن ابی طالب (ع) و اهل بیت پیغامبر و اظهار اخلاص آنها در حق ائمه شیعه (ع)، آنها را به تشیع نزدیک کرد. همچنین، مشایخ و صوفیه نقشبند در ماوراءالنهر و خراسان به آل علی (ع) اظهار محبت و توکّل می‌کردند و ذکر ائمه اثنا عشر در کتاب *لطائف الطوائف* فخرالدین علی صفی پسر ملاحسین کاشفی (نک: زرین کوب، ۱۳۶۲: ۲۲۵-۲۲۶)

گواهی بر این است. از این رو هم‌زمان با پدیدآیی صفویان در ایران این آمادگی روحی و گرایش درونی به تشیع با کوشش‌های عارفان ایرانی به‌خوبی آماده شده بود. بررسی گذار تاریخی تشیع در ایران زمین به‌خوبی نشان‌دهنده این حقیقت تاریخی است. درباره همبستگی صوفیه با امامان شیعه، شبی نیز روشن می‌سازد که آنها طریقه خود را به چهار ولی از اهل بیت می‌رسانند و معتقدند به دست این چهار امام، طریقه حقه آنها روان شد:

۱. از امام علی (ع) به میانجی کمیل بن زیاد
۲. از امام سجاد (ع) به میانجی سلطان ابراهیم ابن ادهم
۳. از امام جعفر صادق (ع) به میانجی ابی‌یزید بسطامی
۴. از امام علی بن موسی الرضا (ع) به میانجی معروف کرخی (نک: شبی، ۱۹۸۲: ۴۶۷/۱-۴۷۱).

قاضی نورالله شوشتری در *مجالس المؤمنین* به نام‌های پرشماری از صوفیه شیعه یا متشیع خراسانی اشاره می‌کند که نشان می‌دهد عرفای خراسان، موالیان اهل بیت اطهار بوده‌اند: ابوسری منصور بن عمار بوسنجی از جمله صوفیه شیعه بود (شوشتری، ۱۳۵۴: ۲۵/۲). نجم‌الدین کبری «چون پیران حقیقی او منحصر در دوازده امام (ع) بودند لاجرم در جانب مریدان نیز رعایت عدد پیران نموده» و در مدت عمر دوازده مرید بیش نپذیرفت (همان: ۷۳/۲). زین‌الدین التایبادی (همان: ۴۰/۲)، نعمت‌الله کهنانی (همان: ۴۷/۲)، قطب‌الدین حیدر تونی (همان: ۵۱/۲)، نورالدین آذری که وفات او در قصبه اسفراین بوده و اکثر قصاید دیوان او در مناقب اهل البیت (ع) واقع است (همان: ۱۲۶/۲)، رضی‌الدین علی لالا «خواجه اهل حال و لالای عترت و آل» (همان: ۱۳۳/۲) که چون عم خود، سنایی «از دیار آشنایی و محبان فدائی است» (همان)، محمد نوربخش (همان: ۱۴۳/۲) متولد قاین مرید خواجه اسحاق ختلائی؛ شاه قاسم فیض‌بخش (همان: ۱۴۸/۲)؛ قاضی نورالله، تشیع خواجه و میر و سلسله او را تا زمان خود اظهر من الشمس دانسته و میر را از شاگردان فقه و حدیث شیخ احمد بن فهد حلی، که در زمان خود از اعظم مجتهدان شیعه امامیه بوده، دانسته است (همان: ۱۴۷/۲)،

پیشینه‌شناسی و دیرین‌شناسی گرامی‌داشت پیشوایان امامیه در عرفان کهن ... / ۱۳

مخدوم اعظم حاجی محمد الجنوشانی (همان: ۱۵۶/۲)، عمادالدین فضل‌الله المشهدی (همان: ۱۵۸/۲)، خاتم مرشدین طریق همدانی الشیخ کمال‌الدین الخوارزمی (همان: ۱۶۲/۲) متولد خوارزم. پیر ارادت ایشان شیخ حاجی محمد جنوشانی و پیر نظر عمادالدین فضل‌الله مشهدی هر دو از مشایخ صوفیه امامیه بوده‌اند (همان: ۱۶۲/۲). قاضی نورالله در صفحات پرشماری به وی پرداخته (همان: ۱۶۲/۲-۱۷۹) و حنفی‌بودن او را رد کرده است. به گفته قاضی، قصیده او در مدح ائمه (ع) دلالت واضح بر تشیع او دارد، بلکه نور ایمان از هر حرف او می‌بارد (همان: ۱۷۷/۲-۱۷۹) و سید علی همدانی (همان: ۱۳۸/۲).<sup>۲</sup>

در تاریخ ادبیات فارسی نیز برخی از بزرگ‌ترین شعرای شیعی خراسان، گرایش‌های عرفانی نیز داشته‌اند؛ همچون کسائی مروزی که بیشتر سروده‌هایش در زهد و وعظ و در مناقب اهل بیت نبوت بوده است (نک: عوفی، ۱۳۶۱: ۵۲۰). از دیگر استادان مسلم شعر فارسی، ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی عارف بلندمقام قرن ششم است که از دوستداران صدیق آل علی و خاندان پیغامبر بوده و در گفتارش محبت علی و آل او و تعریض به مخالفان ایشان آشکار است. و در هنگام مدح حضرت علی (ع) تصریحاتی به قبول امامت ایشان دارد (نک: صفا، ۱۳۶۹: ۵۵۲/۲-۵۶۰). وی در عین حال که در حدیقه از صحابه و خلفای سه‌گانه پس از رسول و همچنین ابوحنیفه و شافعی با بزرگ‌داشت یاد می‌کند (نک: سنایی غزنوی، ۱۳۶۸: ۲۲۶-۲۴۴ و ۲۷۲-۲۷۹)، اما پافشاردنش در خرده‌گرفتن به آل سفیان و معاویه و عمروعاص (همان: ۲۵۹-۲۶۲) و ستایش پرشور اهل بیت نبی و گرامی‌داشت دوستانه امام علی (ع) و فرزندانش موجب گمانه‌زنی‌هایی درباره تشیع او شده است.

### واکاوی جایگاه پیشوایان نزد پیران خراسان

یادکردهای پیران نامی خراسان در گرامی‌داشت اهل بیت (ع) و به‌ویژه هشت امام نخست شیعه، سندی گران و ارزنده در پیوندهای ژرف و تاریخی تشیع و تصوف (عرفان) است. از آنجا که امامان دوازده‌گانه، به‌ویژه امام علی (ع) و امام سجاد (ع)، از نمادهای برجسته پارسایی و نیایش در اسلام بوده‌اند، صوفیان، ایشان را الگو و پیشوای معنوی

خویش دانسته و با بزرگداشت، از ایشان یاد کرده‌اند، به گونه‌ای که بنیان و اساس تصوف بر امام علی (ع) نهاده شده و در یادکرد ائمه و رجال صوفیه در آبخورهای بنیادین، نخستین یادکردها از آن امامان نخست امامیه بوده است. ابونصر سراج طوسی در گزارش ویژه‌بودن حیدر کرار در میان یاران رسول از «علم لدنی» شاه مردان (دانشی که ویژه خضر بود و این دانش به امام نیز داده شده بود) سخن می‌گوید (نک: ابونصر سراج طوسی، ۱۳۸۲: ۱۷۵).

### بایزید بسطامی و پیروی از مذهب جعفری

*اسرار التوحید* از کهن‌ترین نوشتارهایی است که به واکاوی مذهب بایزید (۱۸۸؟ یا ۱۶۱-۲۶۱ ه.ق. یا ۲۳۴ ه.ق.) پرداخته و با تمسک به سرگذشت بایزید که مرید امام جعفر صادق (ع) و سقای او بوده و اینکه در طریقت شایسته نیست که سرسپرده (مرید) جز بر مذهب پیر خویش باشد، بر پیروی بایزید از مذهب جعفری پافشاری می‌کند (نک: میهنی، ۱۳۶۷: ۳۵). این نگرش که در یکی از کتب دیرین صوفیه آمده، اگرچه شاهد گویایی بر خویشی بایزید و مکتب قومس با رئیس مذهب جعفری است، باری از دید تاریخی خرده‌گیری‌ها و اگر مگرهایی درباره هم‌زمان بودن بایزید با امام صادق (ع) (۸۰-۱۴۸) به میان آمده است (نک: سهلگی، ۱۳۸۴: ۳۳-۳۴ و ۳۸-۳۹ و ۹۱). دیدگاه شفيعی کدکنی در پیش‌گفتار خود بر کتاب *النور سهلگی* درباره پیوند بایزید با امام صادق (ع) که در جاهایی آن را روا داشته و در جای دیگر آشکارا آن را نپذیرفته و در جایی دیگر درنگ کرده، گویای همین اما و اگرها و بررسی‌های تاریخی است که در باب ارتباط پیر بسطام با امام صادق (ع) پرسش‌برانگیز شده است (نک: شفيعی کدکنی، در: سهلگی، ۱۳۸۴: ۵۷-۶۷). اما با چشم‌پوشی و درگذشتن از چند و چون‌های تاریخی در این باره، پیوستن و گروش بایزید به امام صادق (ع) در همین کتاب *النور سهلگی* (۳۷۹-۴۷۷ ه.ق.) نیز آمده است. سهلگی از شیخ ابو عبدالله داستانی بازگو می‌کند که وی از مشایخ خود شنیده بوده که «بایزید سیصد و سیزده استاد را خدمت کرده بود که آخرین ایشان جعفر صادق بود، رضی الله عنه» (سهلگی، ۱۳۸۴: ۱۰۹). با



آنکه در بازگفت (روایت) سهلگی و بیشتر سرچشمه‌های صوفیه از همبستگی بایزید با امام جعفر صادق (ع) سخن رفته، اما زرین کوب دیدار آنها را ناشدنی دانسته است. زیرا، به گمان وی، زایش بایزید سال‌ها پس از چهره درپوشیدن امام صادق (ع) روی داده است. زرین کوب با رویکرد تاریخی به این پرسمان، و استوارداشت سال ۲۳۴ برای درگذشت بایزید، که بازگویی اهل بیت شیخ هم هست، و نپذیرفتن سال ۱۶۱ که روایت ابن خلکان است، این ماجرا را کندوکاو می‌کند. اما درباره چرایی بازتاب ارتباط بایزید با امام صادق (ع) در کتاب *النور*، که روایت اهل بیت شیخ است، و دیگر منابع صوفیه بررسی‌ای پیش نمی‌نهد (نک: زرین کوب، ۱۳۶۷: ۳۶-۳۷). از دیگر سوی، احمد بن حسین خرقانی در کتاب *دستور الجمهور* (قرن هشتم) از ملاقات بایزید با امام جعفر صادق (ع) و دوستاری او به امام سخن گفته است (نک: خرقانی، ۱۳۸۸: ۷۱-۷۵).

شیخ نورالدین ابوالفتوح محدث با بیان قول علمای تاریخ، که چهره درپوشیدن امام صادق (ع) در ۱۴۸ و بایزید در ۲۶۱ بوده و تفاوت میان دو تاریخ ۱۱۳ سال است و عمر بایزید زیاده از هشتاد سال نبوده، امکان ملازمت بایزید با امام علی بن موسی بن جعفر الصادق (ع) و سهو کاتبان در حذف دو امام پس از امام صادق (ع) را پیش می‌کشد. میرسید شریف در شرح *مواقف* نیز در اصل تأخر زمان ابویزید از زمان امام صادق (ع) با ابوالفتوح همراهی کرده و در توجیه و تأویل این پیوستگی گفته است که چون ابویزید استفاضه حقایق و معارف از روحانیت امام می‌کرده، لاجرم انتسابش به آن حضرت اشتهاار یافته است (نک: شوشتری، ۱۳۵۴: ۲۲/۲).

این دو دیدگاه در خور بررسی است. ولی قاضی نورالله شوشتری (شهید سنه ۱۰۱۹ ه.ق.) که در *مجالس المؤمنین* به این پرسش پرداخته است، هر دو را با اجماع جمهور و روایت مستفیض مشهور، ناسازگار می‌داند و با گواه گرفتن سخن نویسنده *نفعات*، که درگذشت بایزید را در سال ۲۳۴ ه.ق. دانسته، قول ابوالفتوح را که در تاریخ از جهان رفتن بایزید کسی خلاف نکرده، نقض می‌کند و با پیش آوردن تفسیری جدید توجه بایزید به خدمت امام جعفر صادق (ع) را «پذیرفتن مذهب حق جعفری و چنگ‌زدن به محبت خاندان جعفری»

می‌داند که به‌راستی رهنما، پیر، میانجی و دستگیر همان تواند بود. از دید قاضی، مراد اعلامی که بایزید را سقای خانه حضرت صادق (ع) دانسته‌اند، این بوده که بایزید دست التجا و نیازمندی به ریسمان استوار و پایدار اهل بیت عصمت دراز کرده و به جبل موقت حیدری پناهنده شده بود (نک: همان: ۲۲-۲۳). اما روشنگری قاضی از این گره تاریخی با آنکه موشکافانه و در خور نگرش است، هر آینه با نگاه میرسید شریف و شیخ نورالدین ابوالفتوح محدث، ناسازواری ندارد و جمع هر سه دیدگاه شدنی و پسندیده خواهد بود. به هر روی قاضی به تحقیق نویسنده معجم نیز اشاره می‌کند که در تاریخ، ابویزید زاهد بسطامی ملقب به طیفور دو کس بودند: اکبر و اصغر. و می‌تواند بود که ابویزید که هم‌زمان حضرت امام و سقای دار او بوده، ابویزید اکبر، و آن که تاریخ زمان او متأخر است ابویزید اصغر باشد (نک: همان: ۲۳).

نگارنده *روضات الجنات* پس از پذیرش صحت تحقیق *مجالس المؤمنین* در جمع بین کلیه متنافرات، نگره آقا محمدعلی کرمانشاهی فرزند آقا باقر بهبهانی را نادرست می‌داند که بایزید را هم‌روزگار با جعفر کذاب (فرزند امام هادی (ع)) و سقای دار او پنداشته و گمان برده است که سقای خانه او در هنگامی بوده که هنوز نافرمانی جعفر آشکار نشده بود (نک: موسوی خوانساری اصبهانی، ۱۳۹۱: ۱۵۷/۴). گمانزد دیگری که *روضات الجنات* به میان می‌آورد و آن را بهتر از نظرگاه ابوالفتوح محدث می‌داند، که گفته بود بایزید سقای حضرت علی بن موسی (ع) بوده است، این است که مقصود از جعفر صادق که در احوال بایزید بارها یاد شده، ابوجعفر جواد محمد بن علی بن موسی بن جعفر صادق (ع) باشد (نک: همان: ۱۵۸/۴).

سرانجام در کتاب *طرائق الحقائق* نیز اقوال پیش‌گفته، بازگویی و گاه بررسی شده است:

۱. ارادت ابایزید خدمت حضرت صادق (ع) به روحانیت است؛ چراکه ابایزید در زمانی بسیار بعد از ارتحال امام به جهان آمده است (نک: شیرازی، بی‌تا: ۱۱/۲).

۲. در ذکر بایزید اصغر و شرف‌یابی وی به پیشگاه حضرت جواد (ع) و دیدن شگفتی‌ها و معجزات از آن حضرت، از مؤلف *روضات الجنات* نقل می‌کند که «ابویزید معروف همین

پیشینه‌شناسی و دیرین‌شناسی گرامی‌داشت پیشوایان امامیه در عرفان کهن ... / ۱۷

باشد و خدمت حضرت ابی جعفر الجواد (ع) رسیده باشد و ناقلین ابی جعفر را به حضرت امام جعفر صادق (ع) اشتباه نموده‌اند» (نک: همان: ۴۳۸-۴۴۰).

۳. معصوم‌علی‌شاه (نائب‌الصدر) با یادکردن شواهدی، باورمند است که «ابایزید بسطامی متعدد است و دو طیفور بسطامی بوده است: ابویزید اکبر که معاصر حضرت امام و سقای دار او بوده و ابویزید اصغر که تاریخ زمان او متأخر است» (نک: همان: ۴۲۸/۲-۴۳۷).

### شقیق بلخی

شقیق بن ابراهیم بلخی از شاگردان حضرت موسی بن جعفر الکاظم (ع) بوده است. مؤلف *روضات الجنات* (متوفای ۱۳۱۳ ه.ق.) کمال معرفت و موقعیت بیکرانه شقیق بلخی و سرزدن نشانه‌هایی از او در مخالفت با طریقه شیعه را دال بر شیعه‌بودن او دانسته و این را که ابن‌خلکان نیز در *وفیات اعیان* از او یاد کرده گواهی بر این گرفته است که وی از امامیه با‌اخلاص بوده است (نک: موسوی خوانساری اصبهانی، ۱۳۹۱: ۱۰۶/۴-۱۰۷). قاضی نورالله نیز شقیق بن ابراهیم بلخی را از تلامذه امام همام موسی الکاظم (ع) دانسته که در ولایت ماوراءالنهر به تهمت رفض شهید شد (نک: شوشتری، ۱۳۵۴: ۲/۲۴). شبیبی اما با این چون و چرا که مدت اقامت امام کاظم (ع) در بغداد همه در زندان هارون سپری شده است، این را که امام، استاد شقیق بلخی بوده و بشر حافی به دست او توبه کرده، نپذیرفته است (نک: الشیبی، ۱۳۵۹: ۳۳).

راست آن است که در دیدگاه عرفانی، تاریخ معنوی ارزشی بیش از تاریخ تجربی دارد و حتی نقادی‌های تاریخی در واکاوی عرفان و عارفان گاه پشتوانه و اعتباری ندارد. بنابراین، نباید در گمان‌افکنی‌های تاریخی زیاده‌روی کرد. از این گذشته، از دید تاریخی این دیدارها چندان دور و باورناپذیر نیست.

### ابراهیم ادهم

ابراهیم بن ادهم از خدمت امام همام محمد بن علی الباقر (ع) استفاده حقایق و معارف کرده است (شوشتری، ۱۳۵۴: ۲/۲۴). درباره ابراهیم بن ادهم بلخی این نکته شایان ذکر است

که وی صحبت سه تن از ائمه اهل بیت (ع)، امام باقر (ع)، امام سجاد (ع) و امام صادق (ع)، را درک کرد و آن گونه که از فحوای طریقه او و کنکاش در کتب تاریخی و روایی دانسته می شود، از شیعه اهل بیت بوده و از برکات انفاس شریف ایشان بهره مند شده است (نک: موسوی خوانساری اصبهانی، ۱۳۹۰: ۱۴۵/۱).

### بشر حافی

بشر بن الحارث الحافی برهنه پا (۱۵۰-۲۲۶ ه.ق.) از شخصیت های بنام زهد و پارسایی و از ارکان رجال طریقت است که اصل او از مرو است و «در اوایل حال به ملامی و مناهی اشتغال می نمود. و خدای تعالی او را توفیق فرمود که توبه بر دست حضرت امام همام موسی کاظم (ع) نمود» (شوشتری، ۱۳۵۴: ۱۲/۲؛ نک: موسوی خوانساری اصبهانی، ۱۳۹۰: ۱۳۰/۲). خوانساری با توجه به اینکه اهل فن در اینکه بشر حافی متأخر از زمان امام سجاد (ع) بوده است، خلافاً نکردند، قول شهید ثانی که توبه او را بر دست امام زین العابدین (ع) می داند، خطا، و به سبب قلت ممارست در فنون سیر و تاریخ قلمداد می کند (نک: همان: ۱۳۱).

### ابوسعید ابوالخیر

اگرچه مؤلف اسرار التوحید تصریح می کند که شیخ مذهب شافعی داشته است (نک: میهنی، ۱۳۶۷: ۲۰)، در کتاب حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر، قدیم ترین زندگی نامه بوسعید (۳۵۷-۴۴۰ ه.ق.)، نسب نامه معنوی و طریقتی شیخ به امام علی (ع) رسانیده شده است. مشایخ شیخ با شیخ ابوالفضل حسن سرخسی آغاز می شود. سرخسی مرید شیخ ابونصر سراج (طاوس الفقرا) بود و او مرید ابومحمد عبدالله بن محمد المرتعش. در ادامه، جنید، سری بن المغلس السقطی و معروف کرخی قرار دارند. درباره شیخ معروف اشاره می کند که «از موالی علی بن موسی الرضا بوده است». سپس این سلسله به داود طائی، حبیب انصاری و حسن بصری می رسد. حسن بصری هم شاگرد امام علی (ع) بوده است: «و وی (حسن بصری) مرید امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، کرم الله وجهه. و مناقب وی به شرح افتقار ندارد» (ابوروح، ۱۳۸۴: ۶۲-۶۳).

پیشینه‌شناسی و دیرین‌شناسی گرامی‌داشت پیشوایان امامیه در عرفان کهن ... / ۱۹

محمد بن منور میهنی در کتاب *اسرار التوحید*، حکایتی را درباره مهر شیخ ابی سعید به اهل بیت پیامبر می‌آورد که شیخ گفته بود: «ما در موکبی نرویم که آل محمد در آنجا نباشند» (میهنی، ۱۳۶۷: ۲۰۴). این حکایت مودت ابوسعید را در حق اهل بیت (ع) اثبات می‌کند.

### ابوالقاسم قشیری

قشیری (۳۷۶-۴۶۵ ه.ق.) در رساله قشیرییه در باب فتوت به پرسش شقیق بلخی از امام جعفر بن محمد الصادق (ع) درباره معنای «فتوت» اشاره می‌کند که امام در پاسخ فتوت را این‌گونه تعریف کردند: «اگر دهند ایثار کنیم و اگر ندهند صبر کنیم» (قشیری، ۱۳۶۱: ۳۶۳-۳۶۴). در همان باب داستانی دیگر از امام جعفر صادق (ع) می‌آورد (نک: همان: ۳۶۳). در باب خشوع و تواضع به داستانی از امام حسین بن علی (ع) اشاره می‌کند (همان: ۲۲۳). در باب سوم رساله (شرح الفاظ) می‌آورد: «از علی بن الحسین، رضی الله عنهما، روایت کنند که اندر سجود بود. آتش اندر سرای وی افتاد. از نماز بیرون نیامد. پرسیدند وی را ازین. گفت آتش مهین مشغول کرد مرا از این آتش» (همان: ۱۱۰). همچنین، در جای‌های پرشماری به سخنان امام علی (ع) اشارت کرده است (همان: ۳۹۴ و ۵۸۲).

### خواجه عبدالله انصاری

پیر هرات (۳۹۶-۴۸۱ ه.ق.)، به مناسبت ذکر معروف الکرخی اشاره می‌کند که «معروف بن علی الکرخی الزاهد، پدر وی مولی بوده. دروان (دریان) علی بن موسی، رضا علوی، که در مشهد طوس در گور است، و گویند بر دست وی مسلمان شده بود. وقتی علی بن موسی رضا بار داده بود، ازدحام کردند، وی را در پای آوردند، در آن هلاک گشت» (انصاری، ۱۳۶۲: ۳۸).<sup>۲</sup> شیخ الاسلام، همچنین، در چند موضع از *طبقات الصوفیه* کلمات و سخنانی از امام علی بن ابی طالب (ع) نقل می‌کند (همان: ۱۰۸، ۲۴۷ و ۲۲۵).

خواجه عبدالله انصاری هروی در باب *تلبیس منازل السائرین*، تلبیس سوم (تلبیس اهل تمکن بر جهان) را درجه انبیا و سپس امامان ربانی می‌داند که از وادی جمع (ناپراکندگی) می‌آیند و از دیدار آن مژده می‌دهند؛ پیشوایان الهی که از ساحت جمع به سوی مردمان

بازگشته‌اند تا حضورشان اشارتی به آن مقام باشد و نماینده خدا در فراخوانی مردم به سوی او باشند (نک: انصاری هروی، ۱۳۵۵: ۲۲۲-۲۲۳). کمال‌الدین عبدالرزاق در شرح منازل السائرین نیز بدون تعیین مصداق، اهل تمکین و صادرین از وادی جمع (اهل البقاء بعد الفناء) را عبارت از انبیا و ورثه ایشان، علمای محققین دانسته است، که اشاره ایشان، اشاره عین‌الجمع (حضرت حق) است. زیرا ایشان خلفای حق در دعوت به سوی او، و هدایت خلق‌اند (القاسانی، ۱۳۹۲: ۷۹۰-۷۹۱).

### علی بن عثمان هجویری

هجویری غزنوی (متوفای حدود ۴۷۰ ه.ق.) پس از ذکر چهار خلیفه نخستین پیامبر، که امام علی (ع) نیز در شمار ایشان است، از پنج امام دیگر شیعه نیز در باب جداگانه‌ای با سرنامه (عنوان) «باب فی ذکر أئمتهم من اهل البیت» یاد می‌کند.

در یادکرد هجویری از امام علی (ع) این تعبیرات دیده می‌شود: «برادر مصطفی، و غریق بحر بلا، و حریق نار ولا، و مقتدای اولیا و اصفیا، ابوالحسن علی بن ابی طالب، کرم الله وجهه» (هجویری، ۱۳۹۰: ۱۰۱-۱۰۲)؛ و از جنید نقل می‌کند که: «شیخنا فی الأصول والبلاء علی المرتضی» (همان: ۱۰۲). در سرآغاز یادکرد از ائمه (ع) می‌گوید: «و اهل بیت پیغامبر، علیه السلام، آنان که به طهارت اصلی [و ازلی] مخصوص‌اند هر یکی را اندر این معانی قدمی تمام است، و جمله قدوه این طایفه [صوفیه] بوده‌اند خاص و عام ایشان». در یادکرد از امام حسن بن علی (ع) با این تعبیرات احترام‌آمیز ایشان را معرفی می‌کند: «جگر بند مصطفی، و ریحان دل مرتضی، و قره عین زهرا، ابومحمد الحسن بن علی، کرم الله وجهه» (همان: ۱۰۵).

از آنجا که روش هجویری در کتابش، کوتاه‌سخنی بوده در بیان هر یک از شخصیت‌های عرفانی نکاتی را برجسته می‌کند. در ذکر امام حسن (ع) به صفت «حلم» امام اشاره می‌کند. سپس می‌افزاید: «و این صفت محققان مشایخ باشد، رضوان الله علیهم، که مدح و ذم خلاق به نزدیک ایشان یکسان شده باشد و به جفاگفتن متغیر نشوند» (همان: ۱۰۸). هجویری درباره دیگر ائمه (ع) نیز با احترام فراوان یاد می‌کند. درباره امام حسین (ع) می‌فرماید:

شمع آل محمد، و از جمله علایق مجرد، سید زمانه خود، ابو عبدالله الحسین بن علی بن ابی طالب، رضی الله عنهما. از محققان اولیا بود، و قبله اهل بلا، و قتل دشت کربلا. و اهل این قصه بر درستی حال وی متفق اند، که تا حق ظاهر بود مر حق را متابع بود، چون حق مفقود شد شمشیر برکشید و تا جان عزیز فدای شهادت خدای، عز و جل، نکرد نیارامید (همان: ۱۰۸).

درباره امام سجاد (ع) با این تعبیرات یاد می‌کند: «وارث نبوت و چراغ امت، سید مظلوم و امام مرحوم، زین العباد و شمع الاوتاد، ابوالحسن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، رضی الله عنهم. اکرم و اعیان اهل زمانه خود بود» (همان: ۱۱۰). هجویری در بیان مناقب امام سجاد (ع) به چند نکته اشاره می‌کند، از جمله آنکه: «چون حسین علی را با فرزندان وی، رضوان الله علیهم، اندر کربلا بکشتند، جز وی کسی نماند که بر عورات قیم بودی، و او بیمار بود» (همان). همچنین، به قضیه آمدن امام و اهل بیت بر اشتران برهنه به دمشق اشاره می‌کند، که امام حال خود و خانواده اهل بیت را به قوم موسی و بلای فرعون بر ایشان تشبیه می‌کند، که فرزندان ایشان را می‌کشتند و عوراتشان را برده می‌گرفتند.

همچنین، در ذکر امام به داستان پرآوازه آمدن هشام بن عبدالملک به حج و تعظیم مردم در حق امام سجاد (ع) می‌پردازد و ابیات فرزدق در ستایش امام را می‌آورد: «هذا الذی تعرف البطحاء وطأته/ والبيت يعرفه والحل والحرم». درباره امام ابو جعفر محمد بن علی باقر (ع) و امام جعفر بن محمد صادق (ع) نیز هجویری افزون بر ستایش آنها بخشی از سخنان ایشان را با مفاد زهد، یاد خدا، معرفت حق و روی گردانیدن از غیر، بازگویی می‌کند. راز و نیازی که از امام باقر (ع) می‌آورد بسیار شیوا، پرشور و تأثیرگذار است (نک: همان: ۱۱۴-۱۱۶). وی در ذکر معروف کرخی از او با عنوان «متعلق درگاه خدا، و پرورده علی رضا» یاد می‌کند و تصریح می‌کند که معروف «اندر ابتدا بیگانه بوده است، بر دست علی بن موسی الرضا، رضوان الله علیهم، اسلام آورد و به نزدیک وی سخت عزیز و ستوده بوده است» (همان: ۱۷۳).

### شیخ احمد نامقی جامی

پیر جام (۴۴۱-۵۳۶ ه.ق.) در باب سی و سوم کتاب *انس التائبین* از امام جعفر بن محمد الصادق (ع)، ستایشگرانه روایتی می آورد (جامی، ۱۳۵۵: ۱۲۴-۱۲۵)؛ و در باب سیزدهم کتاب *روضه المذنبین و جنة المشتاقین* نیز همان مطلب را می آورد (همو، ۱۳۶۸: ۲۱۱). همچنین، در باب چهارم این کتاب، ضمن ستایش یاران رسول (ص) و خلفای راشدین، آیه «أما وليکم الله و رسوله...» (مائده: ۵۵) را در ثنای امام علی (ع) می داند (نک: همان: ۳۰).

درباره مذهب شیخ جام، علی فاضل بزرگ ترین احمد جامی شناس، پس از بازگویی سخنانی درباره شیعی دانستن شیخ احمد جام، وی را سنی حنفی متمایل به اصول عقاید شیعی می شمرد، که در آثار مسلم الصدور او ربط جلی و پیوند استوار و روشنی در اخلاص او به اعضای خاندان عصمت و طهارت دیده می شود و تبعیت احمد جام و مشایخ جام از مذاهب اهل تسنن مطلقاً منافاتی با ارادت عاشقانه و خالصانه به حضرت علی (ع) و ائمه مذهب جعفری نداشته و ندارد (نک: فاضل، ۱۳۷۳: ۹۹-۱۱۲).

اما موسوی خوانساری از اشارات برخی از اعلام استفاده کرده که احمد جامی شیعه بوده و بعضی از اشعار او نیز به این موضوع، اشعار دارند. در گزارش *روضات الجنات* آمده است که در کلمات برخی از اصحاب (شیعیان)، به جامی خراسانی (احمد جام) مذهب امامیه نسبت داده شده، و او آن را دور و خالی از حقیقت ندانسته است. وی افزون بر ذکر تفأل شاه اسماعیل صفوی به دیوان احمد جام، که شعر گرانمایه ای حاوی اسامی دوازده امام شیعه، با آغازینه (مطلع):

ای ز مهر حیدرم هر لحظه در دل صد صفاست      از پی حیدر حسن ما را امام و رهنماست

هویدا شد، به یک چارانه (رباعی) شیخ نیز در باب ولایت و دلیل بر دل نهادن او به مقام ولایت استناد می کند:

گر منزل افلاک شود منزل تو      وز کوثر اگر سرشته باشد گل تو  
چون مهر علی نباشد اندر دل تو      مسکین تو و سعی های بی حاصل تو

(نک: موسوی خوانساری اصبهانی، ۱۳۹۰: ۲۹۳/۱-۲۹۴).



### کلابادی و شارحان‌العرف

بخاری کلابادی (متوفای ۳۸۰ ه.ق.) در کتاب *التعرف لمذهب اهل التصوف*، از آثار کهن و معتبر تصوف، در باب دوم کتاب (فی رجال الصوفیه) از شش امام نخست شیعه یاد می‌کند (الکلابادی، ۱۹۹۳: ۲۱-۲۲). شرح‌تعارف شرح گسترده و مبسوط *التعرف لمذهب التصوف* ابوبکر کلابادی است. مستملی بخاری در شرح‌تعارف (الباب الثانی فی ذکر نعت رجال الصوفیه) از امامان تشیع با بزرگ‌داشت یاد می‌کند. صفت «زین‌العابدین» را به علی بن الحسین (ع) به دلیل شباهت تمام او به مصطفی از جهت ظاهر و باطن، اقوال و افعال، حرکات و احوال و خلق و خُلق دانسته است. همچنین، اشاره می‌کند که: «و همه نسل پیغمبر از او پیوسته است تا به قیامت» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳، ربع اول، ص ۱۹۸).

از امام باقر (ع) با تعبیر «سید عصر خویش» یاد می‌کند و درباره امام پنجم و ششم می‌گوید: «کتب این طایفه (صوفیه) از سخنان ایشان (باقر و جعفر) پر است» (همان: ۱۹۸). پس از یادکرد امام علی (ع) با این عبارت که: «علی بن ابی طالب کرم الله وجهه سرّ عارفان است و همه امت را اتفاق است که علی ابوطالب را انفاس پیغمبران است. و او را سخنانی است که پیش از او کس نگفته است و پس از او کس مثل آن نیاورده است» (همان: ۱۹۹)؛ و ذکر اوصاف کریمانه از امام حسن (ع) (گذشت و بخشندگی) و امام حسین (ع) (آزادکردن کنیزک) می‌گوید: «مناقب کسانی که پاره‌ای از پیغمبر باشند کی توان گفت؟! ... و خدای تعالی در حق ایشان گفته باشد: انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا!»؛ و داستان در زیر گلیمی رفتن پنج تن آل عبا را می‌آورد (همان: ۲۰۰).

عنوان باب دوم خلاصه شرح‌تعارف که مربوط به سال ۷۱۰ ه.ق. است و نویسنده‌اش به تلخیص کتاب مفصل و مشهور شرح‌تعارف کلابادی پرداخته، «نام جماعتی از مردان صوفی» است که نخستین نام‌ها مربوط به امامان شیعه است (نک: ناشناس، ۱۳۸۶: ۴۷).

## غزالی

با آنکه طبق روشن‌داشت مورخان، غزالی (۴۵۰-۵۰۵ ه.ق.) در اصول عقاید پیرو اشعری، و در فروع پیرو شافعی بوده و کتب فقه و اصول فقه، و کلام و عقاید خود را موافق این طریقه نگاشته است (نک: همایی، ۱۳۴۲: ۳۸۹)، اما مجمل عقیده ابوحامد غزالی به گفته قاضی نورالله «این است که در مبادی حال به واسطه مصاحبت رؤسای اهل ضلال از نور ایمان خالی بوده و آخر، مؤمن موالی بلکه شیعه اعالی گردیده» (شوشتری، ۱۳۵۴: ۱۹۲). و از قول مولانا سائل همدانی نیز همین قول را می‌آورد. اما می‌افزاید که حکم به تشیع غزالی و همانندهای او که به مذهب اهل سنت نام‌آورند، نظرافکندن به نهان حال ایشان است و بی‌گمان، نما و پوسته زندگی ایشان هم‌داستان اهل سنت بوده و آثار و نوشته‌هایشان بر وفق باورهای آن جماعت واقع شده است (نک: همان: ۱۹۸). از این گذشته، غزالی لعن بر یزید را از دید فقهاتی روا نمی‌دانست و می‌گفت تا آشکار نباشد که یزید به کشتن امام حسین (ع) فرمان داده و به این کار خشنود بوده است و تا وقتی که اسلام او پذیرفته باشد، با این شروط و تعلیقات لعنش شایسته نیست (نک: همایی، ۱۳۴۲: ۴۲۱).

با آنکه مؤلف *مجالس المؤمنین* در نهایت تمجید و تبجیل از غزالی یاد کرده و او را از شیعه امامیه دانسته، اما مؤلف *روضات الجنات* تشیع غزالی را منکر می‌شود و او را از کبار ناصبه در مراتب کلامیه و از متعصبان جماعت شافعیه می‌خواند و دلایلی بر این ادعا ذکر می‌کند و مجازنبودن سب یزید، باطل بودن مذهب امامیه، و معصوم‌نبودن ائمه (ع) را به غزالی نسبت می‌دهد (نک: موسوی خوانساری اصبهانی، ۱۳۹۲ ب: ۶-۹). وی با اشاره به کتاب *المنتقد*، که به گفته او غزالی این کتاب را در رد بر امامیه نوشته است، و نقل قول‌هایی از منابع گوناگون درباره استدلال غزالی بر مجازنبودن لعن یزید، می‌پرسد با چنین فتوای سخیفی احتمال رجوع به حق در حق همچون رجل ناصبی ممکن نیست. اگرچه برخی از علمای شیعه همچون شیخ علی بن عبدالعالی محقق کرکی، قاضی نورالله شهید، مولا محسن کاشی و مؤلف *مجمع البحرین* در سخنانشان به گرایش غزالی به آیین شیعه تصریح کرده‌اند، با این حال بسیاری از ارباب نظر و بصیرت از طایفه امامیه، استبصار غزالی را باور

نکرده و بلکه او را در اقصامرتبه از نصب و عداوت با اهل بیت رسالت (ع) می‌دانند (نک: همان: ۱۰-۱۴).

### برآیند

نشان و جایگاه امامان شیعه در پایه‌گذاری و گسترش اندیشه‌های عرفانی در جهان اسلام، باور همه منابع تاریخ تصوف از دیرباز تا کنون است و در سرچشمه‌های کهن، ایشان را بنیان‌گذاران تصوف، و نمادهای برجسته پارسایی، دانایی و دلدادگی به شمار آورده‌اند. پژوهندگان تاریخ اسلام، در بازنمود تشیع و گونه‌هایش، از «تشیع محبتی» سخن گفته‌اند؛ کسانی که از بهر دوستی اهل بیت پیغمبر و دل‌باختن به پیشوایان تشیع، به داشتن گرایش‌های شیعی شناخته می‌شوند. با نگرش به سخنان پیران خراسان در گرامی‌داشت امامان اهل بیت (ع)، بی‌گمان آنان در دسته «تشیع محبتی» جای می‌گیرند.

گرایش‌های شیعی پیران پرآوازه خراسان یکی از ویژگی‌های مکتب خراسان است و آنها در بسیاری از اندیشه‌ها و سخنانشان متأثر از امامان اهل بیت (ع) بوده‌اند، به گونه‌ای که دل‌سپردن تصوف خراسان به امامان تشیع، این سرزمین را به پایگاه تشیع نام‌بردار کرد. درباره بایزید نامه‌های دیرینه عرفانی، از پیوستگی وی با حضرت صادق (ع) آگهی می‌دهند که به سخن نویسنده *اسرار التوحید* نمی‌توان برای وی آیینی جز آیین و روش پیرش گمان برد. درباره اینکه بتوان پیران خراسان را به تشیع امامی هم پیوند داد، بن‌مایه (اصل) تقیه و رازداری در تصوف و تشیع، رأی‌گویی بی‌چند و چون را دشوار می‌کند، زیرا نبیره زهرا (س) به‌ویژه پس از شهادت امام حسین (ع)، زیر فشار فرمانرانان، میدانی فراگیر نیافتند و برتری و شایستگی ایشان جز برای شاگردان ویژه، پوشیده ماند. اما خورشید مینوی ایشان همیشه در پشت ابر نمی‌مانده و دوستداران پارسا بخشی از آموزه‌ها و سخنانشان را در یادگارهای خود بازتاب داده و پیوسته بر مهرورزی ایشان سفارش کرده‌اند. بنابراین، سخنان پیران رازآشنای خراسان در ارج نهادن آل‌عبا، به‌ویژه هشت امام نخست شیعه، پیوندهای برجسته و چشمگیر تشیع و تصوف خراسان را استوار می‌کند و می‌توان آنها را در شمار پیروان تشیع (دست‌کم

تشیع عام یا تشیع محبتی) جای داد، زیرا آموزشگاه تصوف و عرفان، بیش از روی آوردن به برون و نما، به درون و اندرون پرداخته است و بی‌چند و چون، صوفیه در نهم‌گرایی و ولایت معنوی، توفیق محبت و متابعت آل طه و یس را داشته‌اند.

در پاسخ به این پرسش که «آیا به جز هشت امام نخست شیعه (س) از پیشوایان پسینی نیز یادکرد ویژه‌ای در متون صوفیانه وجود دارد؟» می‌توان گفت به راستی یادکردهای ایشان نیز در نبشته‌های تصوف یافت می‌شود، هرچند کمتر از هشت امام نخستین. بازداشتن پیشوایان تشیع به دستور حاکمان عباسی، نداشتن دسترسی آسان رهروان به ایشان و دوری خراسان از عراق می‌تواند برهانی آشکار باشد. فشارهای سیاسی و تنگ‌میدانی، مایه آن شد که مردمان از سرچشمه علم لدنی ائمه (ع) بازداشته و نابهره‌مند شوند. دیگر اینکه بسان روزهای جابه‌جایی فرمانروایی از امویان به عباسیان، دسترسی به امامان آسان نبود و بیشترین این بزرگان در آغاز جوانی به شهادت رسیدند. بنابراین، امام رضا (ع) واپسین حلقه اتحاد و اتصال آشکار بین تصوف (عرفان) و امامان شیعه (ع) است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. سید وحید معتمدی، در کتاب *عرفان و عترت* (۱۳۹۰)، روایات اهل بیت (ع) در منابع عرفانی تا قرن پنجم هجری را بررسی می‌کند؛ و محمد نصیری نیز در کتاب *درآمدی بر خاستگاه روایی تصوف و عرفان اسلامی* (۱۳۹۵)، در ابعادی چند به تأثیرپذیری عرفا و صوفیه از احادیث، ادعیه و سلوک عملی اهل بیت عصمت و طهارت (ع) پرداخته است.
۲. اگرچه قاضی نورالله بر تشیع بسیاری از اعیان صوفیان استدلال کرده و آنها را داخل شیعیان گردانیده، اما از شیعه‌خواندن شیخ عبدالقادر گیلانی و ملا عبدالرحمان جامی ابا ورزیده و نتوانسته است تسنن آنها را به نفع تشیع توجیه و تأویل کند. اما محمدحسین حسینی خاتون‌آبادی سبط مجلسی، جامی را که ظاهراً از مخالفان است، در باطن از شیعه خالصان دانسته است (نک: موسوی خوانساری اصبهانی، ۱۳۹۲ الف: ۷۲). برای خوانش و تحلیل تشیع محبتی در آثار جامی و علل رویارویی قاضی نورالله با جامی نک: واعظی منفرد و همکاران، ۱۳۹۸.
۳. درباره ارتباط معروف کرخی با امام رضا (ع) با آنکه در مآخذ قدیم مربوط به طبقات شیعه نام وی نیست و در منابع شیعی اشارتی به ملاقات او با حضرت رضا (ع) نیست، اما چون تاریخ وفاتشان با یکدیگر نزدیک است، از رهگذر تاریخی این دیدار دشواری ندارد (نک: زرین‌کوب، ۱۳۶۷: ۱۱۳-۱۱۴).

## منابع

- آملی، سید حیدر (۱۳۷۷). *جامع الاسرار و منبع الانوار*، ترجمه: سید جواد هاشمی علیا، تهران: قادر، چاپ اول.
- ابوروح، لطف‌الله بن ابی‌سعد (۱۳۸۴). *حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر*، تصحیح: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن، چاپ ششم.
- ابونصر سراج طوسی، عبدالله بن علی (۱۳۸۲). *اللمع فی التصوف*، ترجمه: مهدی مجتبی، ویرایش: عبدالمحمد روح‌بخشان، تهران: اساطیر، چاپ اول.
- انصاری هروی، عبدالله (۱۳۵۵). *منازل السائرین (متن عربی با مقایسه با متن علل المقامات و صدمیدان)*، ترجمه در: روان فرهادی، ثور: بیهقی کتاب خپرولو مؤسسه.
- انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۶۲). *طبقات الصوفیة*، تصحیح: محمد سرور مولایی، تهران: توس.
- جامی، ابونصر احمد (ژنده‌پیل) (۱۳۵۵). *روضه‌المدنیین و جنة المشتاقین*، تصحیح: علی فاضل، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- جامی، ابونصر احمد (ژنده‌پیل) (۱۳۶۸). *انس التائبین*، تصحیح: علی فاضل، تهران: توس، چاپ اول.
- خرقانی، احمد بن حسین (۱۳۸۸). *دستور الجمهور فی مناقب سلطان العارفين ابویزید طیفور*، تصحیح: ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، چاپ اول.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲). *دنباله جست‌وجو در تصوف ایران*، تهران: امیرکبیر، چاپ اول.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۷). *جست‌وجو در تصوف ایران*، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۶۸). *حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة*، تصحیح: سید محمدتقی مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- سهلگی، محمد بن علی (۱۳۸۴). *دفتر روشنائی: از میراث عرفانی بایزید بسطامی*، ترجمه: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن، چاپ دوم.
- شوشتری، قاضی سید نورالله (۱۳۵۴). *مجالس المؤمنین*، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة، ج ۲.
- الشیبی، کامل مصطفی (۱۳۵۹). *تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری*، ترجمه: علی‌رضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر، چاپ اول.
- الشیبی، کامل مصطفی (۱۹۸۲). *الصلاة بین التصوف والتشیع: العناصر الشیعیة فی التصوف*، بیروت: دار الاندلس، الطبعة الثالثة، ج ۱.
- شیرازی (معصوم‌علی‌شاه)، محمد معصوم (بی‌تا). *طرائق الحقائق*، تصحیح: محمدجعفر محجوب، تهران: کتاب‌خانه سنایی، ج ۲.

- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: فردوس، چاپ دهم، ج ۲.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۱). *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: فردوس، چاپ دوازدهم، ج ۱.
- عوفی، محمد (۱۳۶۱). *لباب الالباب*، به سعی و اهتمام: ادوارد براون، تهران: کتاب‌فروشی فخر رازی، چاپ اول.
- فاضل، علی (۱۳۷۳). *شرح احوال و نقد و تحلیل آثار احمد جام*، تهران: توس.
- القاسانی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۹۲/۱۴۳۴). *شرح منازل السائرين*، تحقیق: محسن بیدارفر، قم: بیدار، چاپ چهارم، ج ۲.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۷۱ ه. ق. / ۱۳۳۱ ه. ش.). *کتاب النقص: معروف به بعض مثالب النواصب فی نقص بعض فضائل الروافض*، تصحیح: سید جلال‌الدین حسینی ارموی معروف به محدث، تهران: انجمن آثار ملی.
- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن (۱۳۶۱). *ترجمه رساله قشیری*، تصحیح: بدیع‌الزمان فروزان‌فر، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- الکلاباذی، محمد بن اسحاق (۱۹۹۳/۱۴۱۳). *التعرف لمذهب اهل التصوف*، به کوشش: احمد شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.
- لسترینج، گای (۱۳۸۳). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ ششم.
- مستملی بخاری، اسماعیل بن محمد (۱۳۶۳). *شرح التعرف لمذهب التصوف*، تصحیح: محمد روشن، تهران: اساطیر، چاپ اول.
- معمودی، سید وحید (۱۳۹۰). *عرفان و عترت: بررسی روایات در منابع عرفانی تا قرن پنجم هجری*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.
- الموسوی الخوانساری الاصبهانی، میرزا محمد باقر (۱۳۹۰). *روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ۱-۲.
- الموسوی الخوانساری الاصبهانی، میرزا محمد باقر (۱۳۹۱). *روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات*، تحقیق: اسدالله اسماعیلیان، قم: اسماعیلیان، الجزء الرابع.
- الموسوی الخوانساری الاصبهانی، میرزا محمد باقر (۱۳۹۲ الف). *روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات*، تحقیق: اسدالله اسماعیلیان، قم: اسماعیلیان، الجزء الخامس.
- الموسوی الخوانساری الاصبهانی، میرزا محمد باقر (۱۳۹۲ ب). *روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات*، تحقیق: اسدالله اسماعیلیان، قم: اسماعیلیان، الجزء الثامن.

پیشینه‌شناسی و دیرین‌شناسی گرامی‌داشت پیشوایان امامیه در عرفان کهن ... / ۲۹

میهنی، محمد بن منور (۱۳۶۷). *اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگاه، چاپ دوم.

ناشناس (۱۳۸۶). *خلاصه شرح تعرف*، تصحیح: احمدعلی رجایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم.

نصر، سید حسین (۱۳۸۲). *آموزه‌های صوفیان از دیروز تا امروز*، ترجمه: حسین حیدری و محمدهادی امینی، تهران: قصیده‌سرا، چاپ اول.

نصیری، محمد (۱۳۹۵). *درآمدی بر خاستگاه روایی تصوف و عرفان اسلامی*، قم: نشر ادیان.

واعظی منفرد، سجاد؛ و همکاران (۱۳۹۸). «واکاوی پیوندهای تشیع و تصوف: بررسی رویارویی قاضی نورالله شوشتری با عبدالرحمن جامی»، در: *شبهه پژوهی*، دوره ۶، ش ۱۷، ص ۱۹۶-۲۲۲.

هجویری، علی بن عثمان (۱۳۹۰). *کشف المحجوب*، تصحیح: محمود عابدی، تهران: سروش، چاپ هفتم.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۴۲). *غزالی‌نامه*، تهران: کتاب‌فروشی فروغی، چاپ دوم.

## References

- Abu Nasr Seraj Tusi, Abdollah ibn Ali. 2003. *Al-Loma fi al-Tasawwof (Lights in Mysticism)*, Translated by Mahdi Mohebbati, Edited by Abd al-Mohammad Ruh Bakhshan, Tehran: Legends, First Edition. [in Farsi]
- Abu Rawh, Lotfollah ibn Abi Sad. 2005. *Halat wa Sokhanan Abu Said Abu al-Khayr (Moods and Words of Abu Said Abu al-Khayr)*, Edited Mohammad Reza Shafiei Kadkani, Tehran: Speech, Sixth Edition. [in Farsi]
- Al-Ghasani, Kamal al-Din Abd al-Razzagh. 2013. *Sharh Manazel al-Saerin (Description of the Book Positions of Pilgrims)*, Researched by Mohsen Bidarfar, Qom: Bidar, Fourth Edition, vol. 2. [in Arabic]
- Al-Kalabazi, Mohammad ibn Eshagh. 1993. *Al-Taarrof le Mazhab Ahl al-Tasawwof (Introduction to the Religion of the Sufis)*, Prepared by Ahmad Shams al-Din, Beirut: Scientific Books House, First Edition. [in Arabic]
- Al-Musawi al-Khansari al-Esbahani, Mirza Mohammad Bagher. 2011. *Rawzat al-Jannat fi Ahwal al-Olama wa al-Sadat (Gardens of Paradise on the Lives of Scholars and Masters)*, Qom: Ismailiyan Institute, vol. 1-2. [in Arabic]
- Al-Musawi al-Khansari al-Esbahani, Mirza Mohammad Bagher. 2012. *Rawzat al-Jannat fi Ahwal al-Olama wa al-Sadat (Gardens of Paradise on the Lives of Scholars and Masters)*, Researched by Asadollah Ismailiyan, Qom: Ismailiyan, Fourth Edition. [in Arabic]
- Al-Musawi al-Khansari al-Esbahani, Mirza Mohammad Bagher. 2013 a. *Rawzat al-Jannat fi Ahwal al-Olama wa al-Sadat (Gardens of Paradise on the Lives of Scholars and Masters)*, Researched by Asadollah Ismailiyan, Qom: Ismailiyan, Fifth Edition. [in Arabic]
- Al-Musawi al-Khansari al-Esbahani, Mirza Mohammad Bagher. 2013 b. *Rawzat al-Jannat fi Ahwal al-Olama wa al-Sadat (Gardens of Paradise on the Lives of Scholars and Masters)*, Researched by Asadollah Ismailiyan, Qom: Ismailiyan, Eighth Edition. [in Arabic]
- Al-Shaybi, Kamel Mostafa. 1980. *Tashayyo wa Tasawwof ta Aghaz Sadeh Dawazdahom Hejri (Shiism and Sufism until the Beginning of the Twelfth Century AH)*, Translated by Alireza Zekawati Gharagozlu, Tehran: Amirkabir, First Edition. [in Farsi]



- Al-Shaybi, Kamel Mostafa. 1982. *Al-Selah bayn al-Tasawwof wa al-Tashayyo: Al-Anasor al-Shi'iyah fi al-Tasawwof (The Connection between Sufism and Shi'ism: Shi'ite Elements in Sufism)*, Beirut: Andalusia House, Third Edition, vol. 1. [in Arabic]
- Amoli, Sayyed Heydar. 1998. *Jame al-Asrar wa Manba al-Anwar (Collection of Secrets and Source of Lights)*, Translated by Seyyed Jawad Hashemi Olya, Tehran: Ghader, First Edition. [in Farsi]
- Ansari Herawi, Abdollah. 1976. *Manazel al-Saerin; Matn Arabi ba Moghayeseh ba Matn Elal al-Maghamat wa Sad Meydan (Positions of Pilgrims; Arabic Text with Comparison of the Text of Elal al-Maghamat wa Sad Meydan)*, Translated by Rawan Farhadi, Thawr: Beyhaghi Ketab Khaparulu Institute. [in Farsi]
- Ansari, Khajeh Abdollah. 1983. *Tabaghat al-Sufiyah (Sufi Classes)*, Edited by Mohammad Sarwar Mawlayi, Tehran: Tus. [in Arabic]
- Fazel, Ali. 1994. *Sharh Ahwal, Naghd wa Tahlil Athar Ahmad Jam (Description, Critique and Analysis of Ahmad Jam's Works)*, Tehran: Tus. [in Farsi]
- Ghazwini Razi, Abd al-Jalil. 1952. *Ketab al-Naghz: Maruf be Baz Mathaleb al-Nawaseb fi Naghz Baz Fazaeh al-Rawafez (The Book of Refutation: Known as "Some of the Defects of Nawaseb in Refuting Some of the Scandals of Rawafez")*, Edited by Sayyed Jalal al-Din Hosayni Ormawi Known as Mohaddeth, Tehran: National Works Association. [in Arabic]
- Ghoshayri, Abu al-Ghasem Abd al-Karim ibn Hawazen. 1982. *Tarjomeh Resalah Ghoshayriyah (Translation of Resalah Ghoshayriyah)*, Edited by Badi al-Zaman Foruzanfar, Tehran: Scientific & Cultural, Second Edition. [in Arabic]
- Hajwiri, Ali ibn Othman. 2011. *Kashf al-Mahjub (The Revelation of the Veiled)*, Edited by Mahmud Abedi, Tehran: Soroush, Seventh Edition. [in Arabic]
- Homayi, Jalal al-Din. 1963. *Ghazalinameh*, Tehran: Forughi Bookstore, Second Edition.
- Jami, Abu Nasr (Zhendeh Pil). 1976. *Rawzah al-Moznebin wa Jannah al-Moshtaghin (The Garden of the Sinners and the Paradise of the Enthusiasts)*, Edited by Ali Fazel, Tehran: Iranian Culture Foundation. [in Arabic]
- Jami, Abu Nasr (Zhendeh Pil). 1989. *Ons al-Taebin (Companion of the Repentant)*, Edited by Ali Fazel, Tehran: Tus, First Edition. [in Arabic]
- Kharaghani, Ahmad ibn Hosayn. 2009. *Dostur al-Jomhur fi Managheb Soltan al-Arefin Abu Yazid Teyfur*, Edited by Iraj Afshar & Mohammad Taghi Daneshpajuh, Tehran: Written Heritage Research Center, First Edition. [in Arabic]

- Le Strange, Guy. 2004. *Joghrafiyay Tarikhi Sarzamin-hay Khelafat Sharghi (The Lands of the Eastern Caliphate)*, Tehran: Scientific & Cultural, Sixth Edition. [in Farsi]
- Meyhani, Mohammad ibn Monawwar. 1988. *Asrar al-Tawhid fi Maghamat al-Shaykh Abi Said (Secrets of Monotheism in the Statures of Sheikh Abi Said)*, Foreworded, Edited & Annotated by Mohammad Reza Shafiei Kadkani, Tehran: Aware, Second Edition. [in Arabic]
- Mostamli Bokhari, Ismail ibn Mohammad. 1984. *Sharh al-Taarrof le Mazhab al-Tasawwof (Description of the Book Introduction to Sufism)*, Edited by Mohammad Roshan, Tehran: Asatir, First Edition. [in Arabic]
- Motamedi, Seyyed Wahid. 2011. *Erfan wa Etrat: Barresi Rewayat dar Manabe Erfani ta Gharn Panjom Hejri (Mysticism and the Family of the Prophet: A Study of Narrations in Mystical Sources up to the Fifth Century AH)*, Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute, First Edition. [in Farsi]
- Nasiri, Mohammad. 2016. *Daramadi bar Khastgah Rewayi Tasawwof wa Erfan Islami (An Introduction to the Narrative Origin of Sufism and Islamic Mysticism)*, Qom: Publication of Religions. [in Farsi]
- Nasr, Seyyed Hoseyn. 2003. *Amuzeh-hay Sufiyan az Diruz ta Emruz (The Teachings of the Sufis from the Past to the Present)*, Translated by Hoseyn Heydari & Mohammad Hadi Amini, Tehran: Ghasidehsara, First Edition. [in Farsi]
- Safa, Zabihollah. 1990. *Tarikh Adabiyat dar Iran (History of Literature in Iran)*, Tehran: Ferdos, Tenth Edition, vol. 2. [in Farsi]
- Safa, Zabihollah. 1992. *Tarikh Adabiyat dar Iran (History of Literature in Iran)*, Tehran: Ferdos, Twelfth Edition, vol. 1. [in Farsi]
- Sahlegi, Mohammad ibn Ali. 2005. *Daftar Roshanayi: Az Mirath Erfani Bayazid Bastami (Lighting Booklet: From the Mystical Heritage of Bayazid Bastami)*, Translated by Mohammad Reza Shafiei Kadkani, Tehran: Speech, Second Edition. [in Farsi]
- Sanayi Ghaznawi, Abu al-Majd Majdud ibn Adam. 1989. *Hadighah al-Haghighah wa Shariah al-Tarighah (The Garden of Truth and the Law of the Path)*, Edited by Seyyed Mohammad Taghi Modarres Razawi, Tehran: University of Tehran, Third Edition. [in Arabic]
- Shirazi (Masum Ali Shah), Mohammad Masum. n.d. *Taraegh al-Haghaegh (Ways of Truth)*, Edited Mohammad Jafar Mahjub, Tehran: Sanayi Bookstore, vol. 2. [in Arabic]

پیشینه‌شناسی و دیرین‌شناسی گرامی‌داشت پیشوایان امامیه در عرفان کهن ... / ۳۳

Shushtari, Ghazi Sayyed Nurollah. 1975. *Majales al-Momenin (Councils of the Faithful)*, Tehran: Islamiyah Bookstore, vol. 2. [in Arabic]

Ufi, Mohammad. 1982. *Lobab al-Albab*, Prepared by Edward Brown, Tehran: Fakhr Razi Bookstore, First Edition. [in Arabic]

Unknown. 2007. *Kholaseh Sharh Taarrof*, Edited by Ahmad Ali Rajayi, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies, Second Edition. [in Arabic]

Waezi Monfared, Sajjad, et al. 2019. "Wakawi Peywand-hay Tashayyo wa Tasawwof: Barresi Ruaruyi Ghazi Nurollah Shushtari ba Abd al-Rahman Jami (Analysis of Shiite-Sufi Relations: A Study of Ghazi Nurollah Shushtari's Confrontation with Abd al-Rahman Jami)", in: *Shiite Studies*, yr. 6, no. 17, pp. 196-222. [in Farsi]

Zarrinkub, Abd al-Hoseyn. 1983. *Donbaleh Jostoj dar Tasawwof Iran (Continuation of Search in Iranian Sufism)*, Tehran: Amirkabir, First Edition. [in Farsi]

Zarrinkub, Abd al-Hoseyn. 1988. *Jostoj dar Tasawwof Iran (Search in Iranian Sufism)*, Tehran: Amirkabir, Third Edition. [in Farsi]